

تشخیص استعداد

بتلم آقای رشید یاسی

وقتی که شخص بخاطر میاورد که چه استعدادهای سرشاری در این مملکت قربانی جهل و پایمال تعصب و خرافات اولیاء اطفال میگردد از خود سؤال میکنند که آیا مقتضی است که راجع بتفکیک قریح شاگردان مدارس که نسبت باطفال بیسواد حکم قطره و دریا را دارند عجاله سخنی رانده شود. در سر تا سر مملکت هر سال نوابغ و دواهی بیشمار ظهور میکنند که چون دسترس بوسایل ندارند یا مواعی در مقابل خود می یابند خاموش گشته و در تحت تأثیر عادات و معاشرات تبدیل روح و قریحه میدهند و سطح استعدادشان تنزل میکند؛

البته این درد عمومی دواهی معلومی دارد اما متأسفانه عده قلیلی از اطفال هم که دست اتفاق یا فشار ابرام و اصرار آنها بمحوظه مدارس میافکنند غالباً استعدادشان مجهول و مستور می ماند. بنحوی که همین عدم تشخیص استعداد در پیشرفت آنها مؤثر گشته مثل مرغی بر شکسته در کنجی می افکنند. مواعی و نقیص بیشمار معارف ایران (که تازه برقع آنها همت گماشته شده) از یکطرف و این عدم توجه بساختمان اطفال از سوی دیگر موجب رکود و خمود ملت گردیده است.

هر چند ما هنوز در خم کرچه نخستین هستیم و تمام مدارس ما جز یاد دادن مبادی معلومات کاری نمی کنند ولی حتی در کلاهای ابتدائی هم توجه باستعدادهای مخصوص هر طفلی از فرایض است و غیر از این هر طرز دیگر موجب اتلاف وقت و اختناق قریحه میشود.

دروس آزاد و تحصیلاتی که در کبر سن شروع میگردد این حسن

را دارند که انتخابشان اختیاری است و از این جهت طالب علم در تشخیص راه تعلیمی خویش متابعت از ذوق و قریحه خود می کند. علمای تربیت متفقند که تحصیلات مدرسی یکنوع راهنمای محقری است برای دلالت اشخاص در مدرسه بزرگ زندگانی هرچه شخص میاموزد در این مدرسه است و هرچه میشود از آنجا است. حال اگر در مدارس ازبادی امر طرقی پیش گرفته شود که معلم قریحه شاگرد را مطابق اصول علمی تشخیص بدهد و جنبه های مطبوع و مجهول او را تدوین کند. آیا از سرگردانی های بیشماری که در سلوک سالک حیات پیش می آید جلوگیری نخواهد شد؟ آیا علوم و صنایع دارای کارگران متخصص و صلاحیت دار نمیگردند؟ بجای اینکه اطفال با دماغهای فشرده قالب کرده بکنواخت بیرون بیابند آیا بهتر نیست که ما هم مثل طبیعت به تنوع قائل شده یکی را ریاضی دان واقعی و یکی را ادیب حقیقی و دیگری را عالم یا فیلسوف یا نقاش یا حجار محض بسازیم که هر چند جز این رشته چیز دیگر را درست ندانند و يك فرهنگ متحرك از اصطلاحات عموم علوم نباشند اما آنچه میدانند بنا بر ساختمان غریزی آموخته باشند و در آن سرآمد اقران شوند؟

البته تفکیک مستعدین و تشخیص استعدادها چیز سهلی نیست روح انسان بقدری میال و متلون و تاریک و سر بسته است که با معلومات امروزه و پیشرفت کنونی علم النفس نمیتوان آن را شناخت و صفات و حالاتش را تجزیه و تفکیک نمود اما با مراقبت و ممارست بعضی از جلوات روح را میتوان تمیز داد و تقریباً طبقه بندی کرد. معلمین و مدیران هوشیار مدارس که گاهی بروحیات اطفال توجه میکنند و

تکالیف کلاس شاگردان و گذارش بومیه آنها را تحت مطالعه قرار میدهند حتی در ایران هم اتفاق میافتد که استعداد متعلمین خود را تا حدی می‌شناسند و کیفیت دماغی آنان را تشخیص میدهند. اگرچه آن معلمین و مدیران علمای روح‌شناس نیستند و این اطلاعات را بر طبق مبانی علمیه کسب نکرده‌اند لیکن همان طول مدت تدریس و سرپرستی کفایت نموده که آنها را بر حال متعلمین خود مطلع سازد. روح طفل باب شباهت دارد. اضطراب سطحی و کدورت عارضی گاهی مانع از دیدن قعر آن میشود اما دقت و تأمل - شخص را بکشف بعضی از آثار بطون آن موفق تواند کرد همین تجارب مدرسی را در اروپا و امریکا قدر و قیمت بی اندازه میگذارند و صورت علمی بان میدهند و امروز يك شعبه از علم آموزکاری و معرفه الروح شده است و سایر علوم هم از قبیل طب از آن استفاده می‌کنند و معارف مملکت هم از آن منتفع میگردد چه شاگردان با استعداد از بی استعداد بطور کلی متمایز میشوند و با جدا کردن آنها از یکدیگر هر دو طبقه را علی قدر استعداد هم ممکن است پیشرفت داد در صورتیکه هرگاه این تفکیک صورت نگیرد مستعدان کلاس پابند کم هوشها میشوند و بی استعدادها هم نمیتوانند با قدم صاحبان قوه فطری پیش بروند از این جهت کار مدارس فلج و زحمات معلم بی نتیجه می‌ماند این يك فایده کلی است اما از این تقسیم عمومی که بگذریم در میان شاگردان هوشیار هم استعدادها متفاوت است مثلاً عدد تحصیل علمی مایلند که دیگران از استعداد آن بی نصیبند و بالعکس برای نوع دیگر از معلومات حاضر هستند. البته پس از تعیین استعداد هر طبقه و تهیه وسایل تحصیل مخصوص آنها جوانان مفیدی بیرون خواهند آمد

شاگرد های تمبل و بی استعداد هم چه بسا میشود که بواسطه پیدا کردن راه مخصوص خود بشوق آمده و از خود کراماتی بروز میدهند و بعد از خروج از مدرسه نیکبخت و نافع میشوند . باین تریب و بقول انگلیسها هر شخص بکار مخصوص خودش گماشته میشود (۱)

ولی هرگاه برخلاف این اقدام شود شاگردان پس از زحمات بسیار نمیدانند اصلا بان معلومات مستغرق و متضاد چه کنند؟ و از چند رشته ناقص که بغالب آنها ارادتی ندارند و در مغزشان هیچ اثری نگذاشته چه استفاده می توانند ببرند؟

دولت ها و مدارس معتبر اروپا و امریکا بوسیله مفتشین و معلمین ماهر از بذل هیچ قسم مساعدت و مواظبت راجع باین تشخیص و تفکیک قریب خود داری ندارند. علمای معرفت الروح و فن آموزکاری و اطباء بسیار در این زمینه بتحقیق و تدقیق و تألیف همت گماشته و نتایج حیرت بخش بدست آورده اند تألیفات بسیار راجع بوسایل و آلات و ابزار و طرق مختلفه امتحان و سنجش قریب و استعدادات منتشر ساخته و نقشه ها و اشیاء خاصی برای همین سنجش ها بمعرض خرید و فروش گذارده شده از جمله علمائی که در این زمینه کوی سبقت ر بوده اند بی نه و سیمون Binet - Simon هستند که پس از تجربیات بسیار و امتحانات مستقیم در سنه ۱۹۰۵ طریقه با سم «قیاس هوش ایجاد کرده و شقوق متعدده برای این سنجش نشان داده اند . این فن را در امریکا و آلمان بطور بطور کاف تعقیب کردند مخصوصاً در امریکا پس از جرح و تعدیلی جداً معمول گردید .

(۱) The right man in the right place

اما از بیست سال قبل تا کنون تجربیات علما و معلمین مدارس این فن را قریب بکمال رسانده است و نقایص پیشینیان را رفع کرده‌اند از جمله کتبی که بیش از همه در بیان طرق مختلفه سنجش استعداد و تعریف انواع قریب و اهمیت تفکیک آنها سخن میراند و جامع اقوال پیشینیان است کتاب دکتر کلایارد (۱) معام دارالعلوم ژنو است که اخیراً در ۱۹۲۵ تألیف گشته و عنوانش از اینقرار است

« چگونه استعدادات محصلین را تشخیص توان داد » (۲)

در شماره آینده خلاصه از مندرجات آن تقدیم خواهد شد ولی استفاده کامل وقتی میسر میگردد که تألیف مزبور ترجمه شده و در مدارس بمعرض امتحان و عمل در آید.

کلمات معلمین بزرگ

تجربه بمانشان میدهد: قیمتمدار ترین ثمره های تربیت متانت اخلاقی است. که انسانرا برای رسیدن بهارزو و ذرق های عالی تر از ازذواق و منافع حاضره باز دارد. این اصیل ترین تربیتی است که انسان میتواند پیدا کند زیر اشرف حقیقی ناشی ازظفرهای آرام وساکتی است که انسان در نتیجه مبارزه با نفس خود احراز مینماید. فاتحینی که باین ظفر نائل نگشته اند جز يك اسیر عاجز بیش نیستند.
ساموئل سبیل

نخستین سبب عقب ماندن از جاده ترقی بدبودن و ناقص ماندن اصولی است که مادر تربیت اطفال داریم.

Dr Ed. Claparède (۱)

Comment diagnostiquer les aptitudes chez les (۲)
écoliers